

پیشگیری از شکل گیری شخصیت مجرمانه با تأکید بر عمل به احکام

میثم زیدآبادی نژاد^۱، دکتر سارا ادیبی*^۲، دکتر ابوذر سالاری فر^۲

۱ گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

۲ گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

*نویسنده مسؤل

چکیده

پیشگیری شامل مجموعه تدابیر و اقداماتی می باشد که مانع از وقوع جرم و فعلیت یافتن آن می شود. در واقع با استفاده از پیش گیری می توان با علل به وجود آورنده جرم مبارزه کرد. امروزه جوامع به دلیل گسترش بزهکاری در تلاش هستند تا به روشهای دیگری غیر از اعمال کیفری دست پیدا کنند. در این میان نقش آموزه های اسلامی در ایجاد محیط امن اجتماعی و سازمانی و پیش گیری از وقوع جرم نقش به سزایی داشته است. نتایج حاصل از این پژوهش گویای این واقعیت است که پیش گیری از جرم از طریق آموزه های اسلام بسیار سازنده و تاثیر گذار بوده است. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به دنبال بررسی نقش آموزه های دینی از جمله نماز و روزه، حج و جهاد، امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از تخلف و جرم می باشد.

واژه های کلیدی: شخصیت مجرمانه، عمل به احکام، تقوا، پیش گیری از جرم

مقدمه

احکام یا همان فروع دین علیرغم اینکه از اعمال عبادی محسوب می‌شوند به عنوان یک هدف وسیله ای هستند برای قرب به خدا، تقوی، شناخت فردی و الهی، تزکیه و تهذیب نفس و ایمان. نماز یکی از بهترین عوامل سیر و سلوک معنوی و تقرب الهی است. علت تشریح حکم روزه کنترل نفس در برابر تمایلات و شهوات، تزکیه و تهذیب نفس و خودسازی است. نماز معراج مومن و ناهی از فحشاء و منکر می‌باشند. امر به معروف و نهی از منکر آثار نظارتی بر جامعه می‌گذارد و ... که هر کدام از اینها نقش به‌سزایی در پیشگیری از جرم و انحراف ایفا می‌کنند. هر چند که هدف در وضع بعضی از این احکام مستقیماً پیشگیری نیست و جنبه عبادی دارند، اما توجه و عمل به آنها در واقع نشان دهنده احترام به قانون، تعقل و خرد ورزی، معرفت و بصیرت، کرامت انسانی، محبت و مهرورزی رعایت اخلاقیات و احترام به حقوق دیگران و ... است. البته همه این عوامل منجر به نوعی خود کنترلی و دوری از انحراف می‌شوند لذا می‌توانند به عنوان اهداف پیشگیرانه تلقی شوند. مشروط به اینکه عمل به احکام از صرف انجام یک تکلیف فراتر رفته و در وجود آدمی نهادینه شوند. با این پیش درآمد کارکرد پیشگیرانه عمل به این احکام (فروع دین) را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کارکرد پیشگیرانه نماز و آثار آن

نماز لفظ و واژه ای است که در متون دینی ما به عنوان «صلاه» از آن یاد شده. مراد از «صلاه» همان چیزی است که با طریق مشخص و با ارکان مخصوص و جزئیات معین از طرف شارع مقدس، حقیقت پیدا کرده است و پیامبر خاتم آن حقیقت نازل را در عمل تشریح و خود، آن را تحقق عملی بخشید.^۱

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لَدُلُوكَ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»^۲

«نماز را از اول خورشید تا نهایت تاریکی شب برپا دار»

نماز امری است الهی که تحقق آن همانند سایر امور دارای ظاهر و باطن است که در متون دینی به هر دو جهت آن اشارت رفته است. تصویرظاهری نماز همان است که با اعمال مخصوصه انجام گیرد و حفظ آن فرض و واجب است اما روح و باطن نماز عبارتست از: اخلاص، حضور قلب، ذکر خداوند و تعظیم در مقابل او، امید و دل بستگی به ذات ربوبی، اعتماد به وجود سرمدی و محو شدن در مقابل ذات یکتایی که در مقابل عظمت و جلالت او قیام نموده است. هر گاه صورت ظاهری نماز با روح و باطن آن آمیخته و قرین گردد نماز حقیقت خود را یافته و تأثیر خود را میگذارد^۳ در چنین صورتی است که این امر الهی، ستون دین^۴، معراج مومنین^۵، روشنگر چهره مسلمین^۶، مقرب متقین^۷، مکمل اخلاص مخلصین^۸، مبعث خصائص ملحدین^۹، مسود چهره شیاطین، و ممیز مومنین از کافرین قرار می‌گیرد.

«نماز در راس همه عبادات و سرلوحه برنامه های تربیتی و پرورش اسلام است.

نماز نویدی برای فرزندان حضرت آدم که: ای انسان؛ ای غمگین از هجران؛ از هبوط متاثر مباش؛ «نماز» معراج مومن است»^{۱۰}.

۱- خلیلی، مصطفی، نقش نماز در شخصیت جوانان، قم: انتشارات زائر، تابستان ۱۳۷۹، چاپ اول، چاپ وحید، ص ۹۵.

۲- سوره اسراء، آیه ۷۸.

۳- علامه مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۸۲، ص ۳۰۳، روایت ۲، باب ۴

۴- نهج الفصاحه الحاوی لقصار کلمات الرسول اکرم(ص)، پیشین، حدیث ۱۸۷۴.

۵- اصول کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج ۳، ص ۲۶۵، روایت ۶.

۶- شیخ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت: دارالمعرفه، ج ۷، ص ۴۴۷.

۷- نهج الفصاحه، پیشین، حدیث ۱۸۷۷.

۸- همان حدیث ۱۰۹۸.

۹- نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعاده، قم: اشارات رسیدی، ۱۳۷۹، ص ۶۶۸.

۱۰- مطهری، مرتضی، طهارت روح، نماز و عبادت در آثار شهید مطهری، گردآورنده حسین واعظی نژاد، ناشر: ستاد اقامه نماز، چاپ چهارم، زمستان ۷۴، ص ۱۲۵.

اسلام زندگی مادی و بهره برداری از موهبت طبیعت را تجویز نموده و با وارد کردن نماز در برنامه روزانه به زندگی روح معنوی بخشیده و آنرا به صفای باطنی آراسته است.^{۱۱} نماز، جلوه ای از بندگی انسان در پیشگاه خدا و مظهر عبودیت و عبادت است. نماز، حضور در برابر خدایی است که صاحب جهان است و نشستن بر سر مانده های معنوی پروردگار است که برای «بندگان» فراهم کرده است.

آثار ناشی از تداوم نماز

ایجاد آرامش روانی

انسان موجودی است که در زندگی خود، خواه ناخواه با اضطراب و نگرانی هایی رو به روست. گاهی این نگرانی ها برای برخی محدود به مسائل مادی است و گاهی از این حد گذشته و جنبه غیر مادی و معنوی هم پیدا می کند.^{۱۲} در آیات مختلفی از قرآن کریم به عوامل روحی و روانی که موجب انحراف و بزهکاری به طور کلی جرم می گردد. اشاره شده است. خود پرستی، اضطراب، حرص، طمع، جهل و ... در این زمره محسوب می شوند. نماز با ایجاد اطمینان الهی می تواند از عوامل موثر در کاهش اضطراب باشد. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۱۳} «کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد، آگاه باش (تنها) با یاد خدا دل ها آرامش می یابد.»

علامه طباطبایی در تبیین و تفسیر این آیه می فرمایند: «در این آیه کلام الهی تذکر و توجهی برای مردم است که قلبها را متوجه و متمایل به یاد و ذکر او سازند. زیرا هیچ تلاشی و همتی برای انسان در زندگی نیست مگر برای رسیدن به سعادت و نعمت و هیچ ترسی ندارد مگر ترس از افتادن در بدبختی و سختی و شقاوت و خداوند تنها سبب و یگانه عاملی است که امور خیر در دست اوست و نیز همه خوبی ها به او بر می گردد. و او قادر بر بندگان و ضامن سعادت ایشان است. پس توجه و اعتماد و اتصال به او موجب نشاط و شادابی و کمال مطلوب است پس قلبها به یاد او از نگرانی ها و اضطراب مطمئن می شوند و تسکین می یابند»^{۱۴} در واقع طمأنینه و آرامش و جلوگیری از تزلزل و اضطراب و تردید و آرامش باطنی با ذکر و یاد خداوند متعال در همه حالات پیدا می شود^{۱۵} و مراد از ذکر الله مطلق توجه انسان به خداست^{۱۶}.

نماز برترین مصداق ذکر خدا معرفی شده و این شاید بدین جهت باشد که در حال قیام به نماز، نفس آدمی در اثر توجه به مبداء اعلی و خالق یکتا از اضطراب درونی دور شده و سختی ها و ناملایمات را از یاد می برد^{۱۷} و شاید وجه کمک گرفتن از نماز در آیه: «استعینوا بالصبر و الصلاه» «از صبر و نماز استعانت بجوئید»^{۱۸} همین باشد. در تفسیر آیه ۹۱ سوره مبارکه مائده: «انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوه و البغضاء فی الخمر و المسیر و یصدکم عن الصلاه فهل انتم منتهون» «شیطان می خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عدوات ایجاد کند و شما را از ذکر خداوند و نماز باز دارد. آیا خودداری خواهید کرد.» گفته شده که «به این دلیل خداوند در این آیه نماز را جدای از ذکر خدا اسم برد- با توجه به اینکه نماز هم ذکر خداست- که نماز فرد کامل از ذکر الهی است و خداوند اهتمام بیشتری به امر آن دارد و در روایت صحیح وارد شده که نماز پایه و ستون دین است.»^{۱۸} بنابراین باید گفت که ایمان به خدا و یاد کردن او موجب آرامش دلها و آسایش خاطر است و در این میان مهم ترین نقش را ایفا می کند. حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هر کس که واقعاً به یاد خدا باشد مطیع او خواهد بود و هر کس که از

^{۱۱}- تحلیل تبریزی، ابوطالب، اسلام شناسی مجمع ذخائر اسلامی، قم، ایران، پیرامون دین و دانش، ۱۳۹۳ و ص ۳۲۸.

^{۱۲}- خلیلی، مصطفی، نقش نماز در شخصیت جوانان، پیشین، ص ۴۵.

^{۱۳}- آیه ۲۸، سوره رعد.

^{۱۴}- علامه طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، پیشین، جلد ۱۱، ص ۳۵۸.

^{۱۵}- مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران: بنگاه ترجمه، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰، ص ۱۸۱.

^{۱۶}- مترجمان، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۸.

^{۱۷}- خلیلی، مصطفی، نقش نماز در شخصیت جوانان، پیشین، ص ۷۵.

^{۱۸}- سوره بقره، آیه ۴۵.

خدا غافل باشد مرتکب معصیت می شود، اطاعت از خدا علامت هدایت و ارتکاب معصیت نشان گمراهی است.^{۱۹} برای مثال حریص و بی طاقت بودن انسان در آیه ۱۹ سوره معارج بیان شده است: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً» «انسان حریص و کم طاقت آفریده شده» و چون شری رسد بی قراری می کند. «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً»^{۲۰} و چون مالی به او رسد بخل می ورزد. «وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً»^{۲۱} این خصوصیات منفی انسان در کسانی که نماز را دائم برپا می دارند وجود نخواهد داشت. «إِلَّا الْمَصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»^{۲۲}

بنابراین نماز علاوه بر اینکه جنبه عبادی داشته و یک تکلیف و فرض الهی است نقش بسیار مهمی در کاهش اضطراب و ناراحتیهای روحی و روانی که خود نیز منجر به عدم تعادل در رفتار میشود دارد.

اثر بازدارندگی از گناه

یکی از آثار مهم نماز جلوگیری از گناه است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۲۳} طبیعت نماز از آن جا که انسان را به یاد خدا نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبداء و معاد می اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر است. انسان که به نماز می ایستد و تکبیر می گوید، خدا را از همه چیز بالاتر می شمرد ... بدون شک در قلب و روح چنین انسانی، جنبشی به سوی حق و حرکت به سوی پاکی و جهشی به سوی تقوا پیدا می شود ...^{۲۴} این نیست که نماز علت تامه و قطعی برای دوری از گناه است بلکه اثری که نماز در روح و روان ما می گذارد همان تقویت روح و ایمان و توجه به خدا است و این توجه درجاتی دارد و درباره افرادی که از ارتکاب بسیاری از گناهان پروائی ندارند یاد خدا نسبت به ترک گناهان تنها به صورت یک زمینه است نه علت تامه و به عبارت دیگر: مقصود قرآن که می فرماید: «نماز انسان را از گناه باز می دارد». این نسبت که هر فرد نماز گزار در برابر تمام گناهان معصوم می گردد، بلکه مقصود این است که نماز موجب یاد خدا و سبب توجه به مقام ربوبی می شود و اثر طبیعی یک چنین توجه این است که در انسان زمینه روح اطاعت و ترک گناه پدید آورد در عین حال چه بسا ممکن است بر اثر ضعف توجه به خدا، عوامل نیرومندتری اثر آن را خنثی سازد.^{۲۵} «روح و باطن عبادت، یاد خداوند و احساس حضور در پیشگاه اوست؛ یعنی انسان با تمام وجود درک و حس می کند که خداوند پیوسته نظاره گر او و جهان بوده و همه اعمال، گفتار و اندیشه های وی را می نگرد. ضمن اینکه تمام آنها ثبت و ضبط شده و سرنوشت آینده فرد را در دنیا و آخرت تشکیل می دهد. چنین انسانی هیچ گاه در محضر پروردگار دست به گناه و رذالت ها نمی آید و فریب، ستم و خیانت به خود و دیگران را روا نمی دارد؛ به همین دلیل احساس حضور، عامل طهارت نفس و دوری از زشتی های اخلاقی و رفتاری و منشاء زینت روح به زیبایی های اخلاقی و رفتاری و نزدیکی به خداوند می باشد.»^{۲۶} کسی که اهل نماز است، جرأت نمی کند به ناپاکی ها و بزهکاری ها آلوده شود و شرافت نفس خویش را لکه دار سازد، اما با ترک یا تزییع آن، زمینه انحراف و پیروی از شهوات فراهم می گردد.^{۲۷}

«نماز باعث پاکسازی جان از رذایل و آلودگی های باطنی و آراسته شدن به فضایل و کمالات معنوی است. اما آیا هر نمازی دارای چنین ویژگی ها و برکات است؟ نماز- همچون دیگر عبادت ها- هم دارای شرایط، اذکار و افعال ظاهری است و هم آداب و محتوای عالی و اسرار باطنی دارد.

^{۱۹} - علامه طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، پیشین، ج ۶، ص ۱۲۳.

^{۲۰} - مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۹۳، ص ۱۵۸

^{۲۱} - آیه ۲۰، سوره معارج.

^{۲۲} - آیه ۲۱، سوره معارج.

^{۲۳} - سوره عنکبوت، ۴۵

^{۲۴} - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه؛ پیشین، ج ۱۶، ص ۲۸۴

^{۲۵} - طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، پیشین، ج ۶

^{۲۶} - کوهی، محمد رضا، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، قم: اتقان، ۱۳۸۵، ص ۳۶۵

^{۲۷} - مریم/۵۹

هدف از نماز آن است که انسان از شرایط، احکام و ظواهر، به عمق معانی و اسرار و حکمت های آنها برسد؛ از قشر و پوست فراتر رفته و به حقیقت و باطن آن رسیده و در نتیجه پاک و کامل گردد.^{۲۸}

خلاصه اگر نماز، نماز باشد، در همه کس، در برابر گناه تأثیر خواهد کرد، گاهی این تأثیر بسیار نیرومندتر است و زمانی کمتر، و این، با تفاوت نمازها تغییر پیدا می کند، هر قدر نماز با روح تر و کاملتر باشد، اثر تربیتی و بازدارنده آن از گناهان نیرومندتر خواهد بود.

اثر بهداشتی نماز

برای اقدام به نماز مقدماتی لازم است که از آن جمله طهارت است. طهارت یعنی وضو، غسل و تیمم که برای شروع به نماز لازم است. قرآن کریم حکمت این طهارت های سه گانه را- که طهارت ظاهری است- تطهیر دل و رسیدن به طهارت باطنی ذکر می نماید:

«... وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ تَشْكُرُونَ»^{۲۹}

«خداوند اراده کرده که شما را- به وسیله این طهارت ها- پاک و تطهیر نماید و نعمتش را بر شما تمام کند، شاید شکر گزار او باشید»

«طهارتی که در پرتو وضو، غسل و تیمم تحقق می یابد و به عنوان فلسفه آنها ذکر شده، هم طهارت ظاهری و بدنی است و هم طهارت باطنی و روحی، با این تفاوت که طهارت با آب- وضو و غسل، باعث شسته شدن و برطرف شدن آلودگی ها و میکرب های بدن می شود، اما طهارت با خاک- تیمم با خاک و امثال آن- باعث نابودی میکرب های اعضاء می شود، زیرا- چنان که امروزه ثابت شده- خاک به دلیل داشتن باکتری های فراوان می تواند آلودگی ها و میکرب ها را نابود کند؛ البته خاک تیمم، باید کاملاً طیب و طاهر باشد. بنابراین خاک پاک نه تنها آلوده نیست، بلکه زایل کننده آلودگی هاست»^{۳۰} اما طهارت معنوی و باطنی به خاطر سر و حکمت باطنی این طهارت های سه گانه است؛ مثلاً در فلسفه باطنی وضو که توجه و عمل به آنها از عمق جان موجب طهارت باطنی و معنوی از آلودگی های باطنی، گناهان و رذایل می شوند.^{۳۱}

پیامبر اکرم (ص) در روایتی- به عنوان بیان یکی از حکمت های وضو- می فرمایند که حقیقت آب وضو و شست و شو و مسح اعضاء آب توبه و شست و شوی گناهان و اندیشه های شهوانی و باطلی است که از طریق این اعضا تحقق پیدا کرده است و انسان در پرتو وضو به یاد آن گناهان و افکار باطل افتاده و از خداوند متعال عملاً طلب مغفرت و عفو کرده و قصد می کند و پیمان می بندد که دیگران این اعضایش آلوده نگردد؛ یعنی توبه نصوح و واقعی می کند و بدین وسیله پاکی معنوی برای او حاصل می شود.^{۳۲}

از موارد دیگر طهارت می توان به پاکیزه بودن لباس و محیط هنگام نماز اشاره کرد. خداوند در قرآن کریم به پیامبر-ص- می فرماید:

«وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ»^{۳۳}

«و جامعه ات را پاکیزه نگه دار»

^{۲۸}- کوهی، محمد رضا، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، پیشین، ص ۳۵۸

^{۲۹}- مائده/۶.

^{۳۰}- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۴، ص ۲۹۱.

^{۳۱}- کوهی، محمد رضا، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، ص ۳۵۹، پیشین.

^{۳۲}- قمی، الشیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، «من لایحضر الفقیه»، چاپ سوم، قم: موسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ه ق، ج ۲، ص ۲۰۲، حدیث ۲۱۳۸.

^{۳۳}- مدثر/۴.

ظاهر معنایش آن است که لباسهای خویش را از نجاسات پاک کن و لباس پاک بپوش.^{۳۴} در تفسیر طبرسی به معنی پاک کردن لباس نماز از نجاست آمده است چرا که پاکیزگی لباس ظاهر از مهمترین نشانه های شخصیت و تربیت و فرهنگ انسان است.^{۳۵}

بنابراین به طور کلی ضرورت رعایت بهداشت جسمی و محیطی نقش بسزایی در پیشگیری از جرم و انحراف می تواند داشته باشد.

کارکرد پیشگیرانه روزه و آثار آن

در اسلام روزه در ماه رمضان بر مسلمانان واجب شده است و حکم آن در آیات ۱۸۲ تا ۱۸۷ سوره بقره آمده است که در آن خداوند می گوید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَىٰ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^{۳۶}

«ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما واجب شده همانطور که بر اقوام قبل از شما واجب شده بود، شاید با تقوا شوید» و در خصوص روزه برگشتن آثار اطاعت در انسان را در جمله «شاید با تقوا شوید» بیان کرده است و می گوید فایده روزه تقوا است. و آن خود سودی است که عاید خود شما می شود. این تقوایی که قرآن به آن اشاره می کند تنها از راه روزه و خودداری از شهوات بدست می آید. و این خودداری از شهوات عبارتست از خودداری از شهوات شکم از خوردن و آشامیدن و شهوت جنسی. و اگر مدتی از این سه چیز پرهیز کند به تدریج نیروی خویشتن داری از گناهان در آنان قوت می یابد و نیز به تدریج بر اراده خود مسلط می شوند و آن وقت در برابر هر گناهی عنان اختیار از کف نمی دهند و در تقرب خداوند متعال سستی نمی گردند.^{۳۷} انسان با روزه گرفتن صاحب روحی پرهیزگار می شود و دست یابی به گوهر تقوا او را از هدایت بی منتها قرآن بهره مند می سازد. اگر به لحاظ تربیتی این موضوع را مورد مذاقه قرار دهیم، با این حقیقت آشنا می شویم که خداوند برای صدور دستورها و اوامر و القاء پیام هدایتی، شرایط دریافت پیام و آمادگی برای اجرا را با روزه فراهم ساخته^{۳۸}. حقیقت روزه عبارتست از کف نفس و تصمیم بر خود نگهداری از لذت جوییها مادی، به قصد قربت، که خوردن و آشامیدن و عمل زناشویی و دروغ بر خدا و رسول از مفطرات آن می باشد.^{۳۹} اما در احادیث، دایره امساک و خود نگهداری در حد مذکور محدود نشده بلکه در سطح وسیع تری تبیین شده است.

از جمله حدیثی از حضرت صادق علیه السلام که فرمود:

«روزه به ترک خوردن و آشامیدن فقط، حاصل نمی شود. وقتی روزه گرفتی گوش و چشم و زبان و شکم و عورت تو هم باید روزه دار باشند. هنگامی که روزه دار هستی دست و عورت را نیز از گناه نگهدار، همواره ساکت باش جز در گفتن خیر و کلام مفید، و نسبت به خدمتگزارت مدارا کن»^{۴۰}.

همانگونه که مشاهده می شود کلیه موارد توصیه شده در اسلام در باب مسئله روزه در آیات و روایات دینی موجد و تقویت کننده ی آثاری چون خود سازی و صفات پسندیده انسانی می باشد که می تواند نقش مهمی در پیشگیری از انحراف داشته باشد. لذا در ادامه نوشتار کارکرد پیشگیرانه روزه و آثار ناشی از آن را طی سه گفتار پی می گیریم.

^{۳۴}- قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن، الحدیث، پیشین، جلد ۱۱، ص ۴۱۹.

^{۳۵}- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، پیشین، ج ۱۰، ص ۵۸۰.

^{۳۶}- بقره/۱۸۳.

^{۳۷}- علامه طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۲، پیشین، ص ۱۷۸.

^{۳۸}- محمدیان، محی الدین بهرام، ماه رحمت، نشریه ماهانه تربیتی، آموزشی پیوند، ۱۳۸۸، شماره ۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹.

^{۳۹}- امینی، ابراهیم، خودسازی، پیشین، ص ۲۸۹.

^{۴۰}- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۷، ص ۱۱۸.

بهداشت جسم و سلامت بدن

روزه از نظر بهداشت جسم و سلامت بدن و ابعاد دیگر دارای فواید فراوانی است، روزه در سلامت معده و پاکسازی آن از انواع غذاها که موجب انواع بیماری هاست اثرات فوق العاده ای دارد.

پیامبر خدا فرمود: «المِعْدَةُ بَيْتٌ كُلِّ دَاءٍ وَ الْجِمْتُه رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ»^{۴۱}

«معده مرکز و خانه هر دردی است، و پرهیز و اجتناب (از غذاهای نامناسب و زیاد خوری) اساس و راس هر داروی شفا بخش است.

و در جای دیگر می فرمایند «... وَ صُومُوا تَصِحُوا»^{۴۲} «... روزه بگیرید تا صحت و سلامتی خویش را تضمین کنید». درست است که آدمی تاب گرسنگی زیاد را ندارد، و اسلام هم نخواسته است که انسان خود را در زحمت تحمل گرسنگی زیاد قرار دهد، بلکه در بعضی روایات رسیده است:

«اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ»^{۴۳} «خدایا از گرسنگی به تو پناه می برم»

ولی در عین حال متوجه بود، که مقداری از گرسنگی برای انسان لازم است! و فواید بسیاری در بردارد، و بر عکس پرخوری و سیری بیماری زیاد به همراه می آورد.

از نظر بهداشت و تندرستی، باید غذا کمتر مصرف شود، و هنوز اشتها تمام نشده، دست از غذا خوردن کشید، به تجربه ثابت شده است. افرادی که کم می خورند، از کسانی که همیشه سیر می خورند سالم تر می باشند، و تن درست ترند. «الکس سوفورین» دانشمند روسی در کتاب خود می نویسد: «درمان از طریق روزه فایده ویژه ای برای درمان کم خونی، ضعف روده ها- التهاب بسیط و مزمن، دملهای خارجی و داخلی، سل، اسکلیروز، روماتیسم، نقرس، استسقا، نوراستنتی، عرق النساء، خراز(ریختگی پوست)، بیماریهای چشم، مرض قند، بیماریهای جلدی، بیماریهای کلیه، کبد و بیماریهای دیگر دارد.»^{۴۴} بنابراین می توان نتیجه گرفت روزه که عامل مهمی در سلامت جسم بوده که خود می تواند مقدمه ای بر سلامت روح و روان باشد.

مساوات و برابری بین افراد اجتماع

در این رابطه امام جعفر صادق (ع) می فرماید:

«أَنَا قَرَضَ اللَّهُ الصَّيَامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنِيُّ وَالْفَقِيرُ وَ ذَالِكَ إِنْ الْغَنِيُّ كَمَ مِثْنِ لِيَجِدَ مَسَ الْجُوعِ، فَيَرْحَمُ الْفَقِيرَ لِأَنَّ الْغَنِيَّ كَلَّمَا أَرَادَ شَيْئًا قَدَّرَ عَلَيْهِ، فَأَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَسُوِيَ بَيْنَ خَلْقِهِ، وَإِنْ يُذِيقُ الْغَنِيَّ مَسَ الْجُوعِ وَالْأَلَمَ لِيَرِقَ عَلَى الضَّعِيفِ وَ يَرْحَمَ الْجَائِعِ»^{۴۵}

«براستی خداوند روزه را واجب کرد، تا به وسیله آن بین اغنیاء و فقرا مساوات و برابری به وجود آید، و این برای آن است که ثروتمندانی که هرگز درد گرسنگی را احساس نکرده اند، به فقراء ترحم نمایند، زیرا اغنیاء هرگاه (خوردنی و آشامیدنی را) اراده نمودند برایشان میسر است، پس خداوند متعال «روزه را واجب نموده» که تا بین بندگان از فقیر و غنی، برابری به وجود آورد، و اینکه سرمایه داران مسلمان الم، جوع و گرسنگی را لمس نمایند، تا بر ضعفا رقت آورند، و بر گرسنگان عالم ترحم نمایند».

روزه درس مساوات و برابری در میان اجتماع است با انجام این دستور مذهبی، افراد متمکن، هم وضع گرسنگان و محرومان اجتماع را به طور محسوس در می یابند. و هم با صرفه جویی در غذای شبانه روزی خود می توانند به کمک آنها بشتابند البته

^{۴۱}- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۰۸، ارکان اسلام.

^{۴۲}- همان ص ۱۰۹.

^{۴۳}- طریحی، شیخ فخر الدین، مجمع البحرین، بنیاد بعث، قم: ۱۴۱۴ ق، ماده جوع، ص ۱۵۱

^{۴۴}- مکارم شیرازی، ناصر، آیت الله، تفسیر نمونه، پیشین، جلد ۱، ص ۶۳۲.

^{۴۵}- حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳، قمی (شیخ صدوق) محمد بن علی بن بابویه، من لایحضر الفقیه، پیشین، ص ۷۳، ج ۲.

ممکن است با توصیف حال گرسنگان و محرومان، سیران را متوجه حال گرسنگان کرد ولی اگر این مسأله جنبه حسی و عینی به خود بگیرد اثر دیگری دارد. روزه به این موضوع مهم اجتماع رنگ حسی می دهد.^{۴۶} بنابراین روزه با ایجاد نوع دوستی و همیاری بین افراد اجتماع می تواند عامل موثری در ریشه کن کردن فقر که خود عامل مهمی در انحراف از ارزشهای اخلاقی است، باشد.

تکامل معنوی و روحی

در حدیثی از امام رضا (ع) ارتباط روزه و تکامل و تربیت روحی و معنوی بیان شده است:

«علت روزه از برای فهمیدن الم و درد گرسنگی و تشنگی است، تا بنده ذلیل و متضرع و ما جور و صابر باشد و بفهمد شدائد آخرت را، علاوه بر این که در روزه انکسار شهوات و موعظه هست از برای امر آخرت تا بداند حال اهل فقر را در دنیا عقبی. روزه روحیه خداگرایی و گرایش به مسائل عرفانی و معنوی را در انسان تحکیم می بخشد و شهوت را که یکی از اسباب تمایل آدمی به گناه و پدید آوردن بی تقوایی است را تضعیف می کند. امام صادق (ع) در این زمینه فرمودند: «روزه، قوای شهوانی (حیوانی) را تضعیف می کند»^{۴۷} در حقیقت بزرگترین فلسفه روزه همین اثر معنوی و روحانی آن است. انسان هایی که انواع غذاها و نوشیدنی ها را در اختیار دارند و هر لحظه که تشنه و گرسنه می شوند به سراغ آنها می روند مانند درختانی هستند که در پناه دیوارهای باغ بر لب نهرها می رویند، این درختان ناز پرورده بسیار کم مقاومت و کم دوامند، اگر چند روزی آب از پای آنها قطع شود، پژمرده می شوند و می خشکند اما درختانی که لا به لای صخره ها در دل کوه ها و بیابانها می رویند و طوفانهای سخت و آفتاب سوزان و سرمای زمستان نوازشگر شاخه هایشان از همان طفولیت است و با انواع محرومیت ها دست به گریبانند، محکم، بادوام و پر استقامت و سختکوش و سخت جانند. روزه نیز با روح و جان انسان همین عمل را انجام می دهد و با محدودیت های موقت به او مقاومت و قدرت اراده و توان مبارزه با حوادث سخت را می بخشد و چون غرایز سرکش را کنترل می کند، بر قلب انسان نور و صفا می پاشد.^{۴۸}

روزه با ایجاد حالتی از تقوا و شکستن دیوار غفلت و شهوت از دور قلب آدمی او را به خدای تعالی نزدیک تر کرده و انسان را بدان جا می رساند که تمام هم خود را مصروف انجام احکام الهی و دستورات خداوند می کند. این خود زمینه ای است برای دوری از گناه و انحراف که نتیجه آن اصلاح فرد و جامعه می باشد.

کارکرد پیشگیرانه حج و آثار فردی و اجتماعی آن

«واژه- حج- در اصل به معنی قصد است و به همین جهت به جاده و راه «محجه» (بر وزن موده) گفته میشود زیرا انسان را به مقصد می رساند و به دلیل و برهان و حجت می گویند زیرا مقصود را در بحث روش می سازد.»^{۴۹} اسلام دارای مبانی و ارکانی است که بر آنها بنا نهاده شده و بدانها قوام گرفته و بدون وجود آنها فرو می ریزد. یکی از این ارکان حج است. انسان که امام باقر (ع) فرمود:

«بِنِي إِسْلَامٍ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ»^{۵۰}

«اسلام بر پنج پایه بنیان نهاده شده است: نماز، روزه، زکات، حج و ولایت»

بنابراین آنکس که عمداً حج نگذارد، رکنی از ارکان دین الهی خویش را نابوده کرده است. از همین رو خداوند درباره ترک عمدی حج فرمود:

«وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ عَنِّي مِنَ الْعَالَمِينَ»^{۵۱}

^{۴۶}- مکارم شیرازی، ناصر، آیت... تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱، ص ۶۲۸.

^{۴۷}- فیض کاشانی، محسن، تفسیرالصادق، بیروت: موسسه الاعلمی المطبوعات، الثالثه، ۱۴۰۲هـ ق، ج ۱، ذیل آیه ۱۸۳ بقره، ص ۷۵.

^{۴۸}- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱، ص ۶۲۴.

^{۴۹}- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، پیشین، جلد ۳، ص ۱۶.

^{۵۰}- کلنی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، پیشین، ص ۱۸.

در این آیه از ترک عمدی حج، به کفر تعبیر شده است. پس کسی که عمداً به حج نرود عملاً کافر است، گرچه در ایمان و اعتقاد کافر نباشد.^{۵۲}

حج با کرامت ویژگی که دارد عهدی الهی است که بدان تشریف جسته می شود.^{۵۳}

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ»^{۵۴}

این تعبیر خاص، به خوبی نمایانگر اهمیت حج است؛ گرچه خداوند فرمود: «الصَّوْمَ لِي وَ آنا أَجْزَى عَلَيْهِ»^{۵۵}. اما حج نیز واجد روزه است؛ زیرا حج گزارى که قربانى نیابد، باید سه روز در حج و هفت روز در هنگام بازگشت، روزه بگیرد: «... فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ تَسَعَهُ إِذْ رَجَعْتُمْ»^{۵۶}

«همچنین همه نکاتی که درباره نماز وارد شده در حج نیز تحقق می یابد؛ زیرا در حج طواف تسریع شده که خود نماز است. افزون بر اینکه در حج نماز نیز هست؛ چون طواف کننده پس از طواف، نزد مقام ابراهیم به نماز می ایستد: «وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»^{۵۷} و با پروردگارش به راز و نیاز می پردازد و با نماز گزاران در آنجا ستون دین خویش را بر پا می دارد و به مولای خود تقرب می جوید.^{۵۸}

از این رو روایت شده که «حج برتر از نماز و روزه است»^{۵۹}

همچنین او به برکاتی که در زکات است، دست می یابد: «وَمَنْ يَوْقِ شَخَّ نَفْسَهُ فَأَوَّاكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ»^{۶۰}

حاصل اینکه، حج از عباداتی تشکیل یافته و شامل فضایل فراوان این عبادات است.^{۶۱}

«حج، همانند دیگر عبادتها، آداب و سنن و فرایضی دارد که برای تحصیل صفات ثبوتیه و پرهیز از صفات سلبیه است. انسان از آن جهت که خلیفه حق و مظهر جمال و جلال اوست، دارای صفات ثبوتی و سلبی است از این رو موظف است که به «تخلیه» و «تخلیه» بپردازد، بدین صورت که ابتدا خود را از رذایل اخلاقی خالی کند و سپس به فضایل اخلاقی مزین سازد و جلوه جمال و جلال حق شود. حج بهترین فرصت برای تامین این هدف است؛ زیرا حج برای تهذیب نفس است.

محرمات حج برای تطهیر قوایی است که احیاناً گرفتار عصیان و تباهی میشود؛ چنانکه آیه شریفه:

«فَلَا رَفَثَ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ»^{۶۲} به سه مورد از محرمات حج که هر یک در تطهیر یکی از آن قوای نفسانی نقش دارد اشاره می کند؛ یعنی «لا رفث» به پاک کردن قوه شهویه مربوط است و «لا فسوق» به تطهیر قوه غضب بر می گردد و «لاجدال» ناظر به تهذیب قوای فکری است؛ و با طهارت این قوای سه گانه همه کارهای انسانی پاک می شود؛ زیرا هر کاری که از انسان صادر می شود با تحلیل دقیق به یکی از سه قوه بر می گردد» علاوه بر آثار تربیتی و معنوی حج که بیان شد حج دارای آثار اجتماعی نیز هست.

^{۵۱} - آل عمران/۹۷.

^{۵۲} - جوادی آملی، عبدالله، صهبای حج، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۷، ص ۴۳.

^{۵۳} - همان، ج ۷، ص ۲۹۰.

^{۵۴} - آل عمران/۹۷.

^{۵۵} - حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۷، ص ۲۹۰.

^{۵۶} - بقره/۱۹۶.

^{۵۷} - بقره/۱۲۵.

^{۵۸} - جوادی آملی، عبدالله، صهبای حج، پیشین، ص ۵۲.

^{۵۹} - قمی، (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضر الفقیه، پیشین، ج ۲، ص ۲۲۱.

^{۶۰} - حشر/۹.

^{۶۱} - حرعاملی، محمد بن حسین، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۸، ص ۷۷-۸۳.

^{۶۲} - بقره/۱۹۷.

قرآن کریم، همانطور که کعبه را اولین و با سابقه ترین خانه عبودیت و پرستش می داند، آن را برای همه جهانیان، محور بندگی نیز می شناسد و می فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِتَكَةِ مَبْرُكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^{۶۳}

یعنی اولین خانه ای که برای همه مردم وضع شد و هدایت جهانیان را تامین می کند کعبه است و هیچ اختصاصی به گروه و نژاد خاصی ندارد و مردم اقلیم معینی، از افراد اقلیم دیگر به آن سزاوار نیستند و مرزهای جغرافیایی نیز در این امر همگانی نقش ندارد. از این رو ملل گوناگون جهان، اعم از هندی و فارس و کلدانی و یهودی و عرب آن را گرامی داشتند.^{۶۴} خدای سبحان در این باره می فرماید: به یادآور هنگامی که مکان کعبه را برای ابراهیم خلیل (ع) معین کردیم تا مرجع عبادت پرستندگان را فراهم کند و به او گفتیم که:

«وَ إِذِ بَرَأْنَا لِابْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكَ بِي شَيْئًا وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ لِبَاقَائِمِينَ وَ الرُّكْعِ السُّجُودِ وَ آدِنِ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»^{۶۵}

«و خانه مرا طواف کنندگان و نماز گزاران و راکعان و ساجدان پاکیزه نگه دار و در بین مردم دعوت حج را اعلان کن از «هر سو» و به هر وضع و با هر وسیله» از پیاده و سواره و از دور و نزدیک، به ندای تو پاسخ دهند و به منظور انجام حج و زیارت کعبه گرد آیند.

«وَ أَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمَ الْآخِرِ»^{۶۶}

این آیه بیانگر این موضوع است که حج در عین حال که اثر فردی برای کسب معرفت و خودسازی انسان دارد و یک عمل عبادی است دارای اثر اقتصادی نیز می باشد.^{۶۷}

خداوند سبحان در این باره می فرماید: چنین نیست که ما از راه غیب، نیازهای اقتصادی مومنان مکه را تامین کنیم، بلکه ثمرات را از مناطق گوناگون به مکه منتقل می کنیم. ریزش ثمرات به سرزمین غیر ذی زرع مکه اینک به گونه ای است که محصولات گوناگون را از سراسر عالم در همه فصول حج و عمره به آنجا می آورند: «يُحِبُّ إِلَيْهِ ثَمَرَاتِ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا»^{۶۸} در تفسیر آن چنین آمده است: «... نفع بردن مردمیکه در شرق و غرب زمین و صحرا و دریا باشند چه حج بجای آورند، یا نیاورند از قبل: تاجر و کاسب و فروشنده و خریدار و مسکین و قضاء حوائج افرادی که از اطراف جهان می توانند در مجتمع حج شرکت نمایند و منفعتی ببرند از نتایج و ثمرات حج بشمار می روند.»^{۶۹} بنابراین با توجه به آثار تربیتی و معنوی حج در ارتقاء مقام انسانی و همچنین محرمات حج اعم از استطاعت مالی و مشروعیت مال می توان به تأثیر پیشگیرانه حج در انحراف و بزهکاری اذعان داشت.

کارکرد پیشگیرانه جهاد و آثار فردی و اجتماعی آن

جهاد که از ماده جهد به معنای مشقت و رنج است.^{۷۰} در کاربردهای شرعی به هر گونه تلاش و بذل جان، مال و توان خویش در راه اعتلای کلمه اسلام و اقامه و برپایی شعائر ایمان اطلاق می شود.^{۷۱}

^{۶۳}- آل عمران/۹۶

^{۶۴}- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، پیشین، ج ۳، ص ۳۵۸-۳۶۳

^{۶۵}- حج/آیات ۲۶-۲۷

^{۶۶}- بقره/۱۲۶

^{۶۷}- آیات ۱۲۵ سوره بقره، ۲۶ سوره حج و ۳۶ سوره نور دلالت بر این اثر دارد.

^{۶۸}- قصص/۵۷

^{۶۹}- نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۳۷۶

^{۷۰}- احمد بن فارس بن زکریا؛ معجم مقابیس اللغة؛ بی جا، دارالاسلامیه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۸۶ ذیل ماده جهد

^{۷۱}- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، پیشین، ج ۲۱، ص ۳

«جهاد در راه خدا با مفهوم جهاد با کفار و مشرکین یکی از فروع دین است و شرطش حضور امام معصوم بوده و در دوره غیبت دفاع است».^{۷۲} جهاد در معنای عام آن در اسلام به دو گونه جهاد اکبر و جهاد اصغر تقسیم شده که جهاد اکبر به مبارزه با نفس و هواهای نفسانی و تلاش برای خودسازی و تهذیب درونی اطلاق می شود و جهاد اصغر به مبارزه بیرونی با دشمنان اسلام گفته می شود و در آموزه های اسلام و آیات قرآن هر دو گونه جهاد (جهاد اکبر و جهاد اصغر) مورد ستایش قرار گرفته است. به هر گونه ای که در آیه ۷۸ سوره حج «وَجِهَدْ وَا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» جهاد با نفس نیز جهاد در راه خدا محسوب می گردد.^{۷۳} مستنبت از آیات قرآن کریم منظور جهاد جنگ و قتال و خونریزی نیست بلکه در صورت تجاوز و تهاجم به کیان اسلامی و به خطر افتادن اساس دین یا حکومت اسلامی این حق به مسلمانان داده شده تا در مقابل تهاجم از خود دفاع کنند.

«إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ، أُوْدِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَأَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقِّ الْأَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعَهُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْجِبَالُ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»^{۷۴}

خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند؛ خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد. به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست. همانا که خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه ها، و معابد یهود و انصاری، و مساجدی که نام خدا در آن بسیاری برده می شود ویران می گردد. و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع کنند) یاری می کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است. همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست.

بنابراین با توجه به آیات قرآن کریم^{۷۵} جهاد از نگاه پیشگیری نوعی عامل بازدارنده از گناه و انحراف و فسادو تباهی در جامعه اسلامی می باشد.

با توجه به آیه ۷۵ سوره نساء یکی از مهمترین اهداف جهاد رهایی مستضعفان جسمی و فکری از چنگال ظالمان و جوامعی که به مردم فرصت نمی دهند تا خود به اختیار و اراده خویش راه خویش را برگزینند و در مسیر کمال قرار گیرند.

در حقیقت جهاد در اسلام شاخه ای از شاخه های امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا هر انسانی در زیان است تا زمانی که ایمان به حقیقت پیدا کرده و کارهای نیک انجام دهد و دیگران را به سوی خیر و حق دعوت و امر کند و از تباهی و فساد نهی نماید. اگر این دعوت دیگران در جامعه مومن باشد از آن به امر به معروف یاد می شود و اگر در جوامع دیگر باشد از آن به جهاد تعبیر می شود تا به این وسیله فرصت های برابر و آزاد برای همگان برای تعالی و رشد فراهم آید. به سخن دیگر، جهاد با کافران و ظالمان، در حقیقت مسئولیت انسان در برابر انسان دیگر است تا در مقام عبودیت ربوبی، دیگری را برای رسیدن به انتخاب احسن و اکمل یاری رساند و فرصت های برابر برای او فراهم آورد.^{۷۶} به هر حال مهم ترین و اساسی ترین هدف جهاد در نگرش قرآنی، اعتلا و احیای دین و آموزه های وحیانی برای انتخاب راه کمال^{۷۷} و برپایی حق^{۷۸} می باشد تا مردم بتوانند به کمال انسانی و عبودیت ربوبی و خلافت انسانی دست یابند.

^{۷۲}- طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۲۹۲

^{۷۳}- سیوطی جلال الدین محلی، جلال الدین، تفسیر الجلالین، بیروت، موسسه النور للطبوعات، ۱۴۱۶ق ص ۳۳۹ ذیل آیه ۶ از سوره عنکبوت.

^{۷۴}- حج/آیات ۳۸-۴۱

^{۷۵}- همان و بقره /آیه ۲۱۷ و نساء/آیه ۷۵

^{۷۶}- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان ج ۵، پیشین، ص ۵۸

^{۷۷}- بقره، آیات ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۱۸، ۲۴۴، ۲۴۶، و آل عمران، آیات، ۱۶۷، ۱۴۶، ۱۳

از آثار دیگر جهاد، قرار گرفتن انسان در مقام محسنان^{۷۹}، متقین^{۸۰} و صابران است. از جمله آثار و کارکردهای اجتماعی جهاد نیز می توان گفت که مهم ترین آن دست یابی جوامع به حیات واقعی و طیب و پاک است که خداوند در آیات چندی چون آیه ۲۴ سوره انفاق بدان اشاره می کند. هر چند در آیات دیگر صریح به این معنا توجه داده نشده ولی با توجه به مفهوم حیات واقعی در تفسیر قرآنی می توان گفت که زندگی دینی و جامعه سالم از ظلم و بی دینی، همان جامعه طیب و حیات معنوی و واقعی است. خداوند در آیه ۲۴ سوره انفاق می فرماید: به دعوت پیامبر (ع) پاسخ مثبت دهد تا شما را به جهادی بخواند که جامعه و خودتان را زنده می کند و حیاتی دوباره می بخشد.^{۸۱} از این رو خداوند در قرآن کریم، جهاد در راه خدا را مایه خیر و برکت می شمارد.^{۸۲} هر چند که در ظاهر چیزی جز مرگ و ناخوشی نیست و همچنین، جهاد را تضمین کننده خیرها و برکات می داند^{۸۳}، زیرا با جهاد است که شخص و جامعه می تواند در مقام عبودیت محض قرار گیرد. خداوند جهاد را مایه عزت مومنان و جامعه می شمارد و ذلت و خواری دشمنان را در گرو آن قرار می دهد.^{۸۴} بسیاری از گرفتاری های بشر و جوامع انسانی به سبب گناهان و خطایی است که مرتکب می شوند، از این رو برای رهایی از آن و دفع بلا می بایست استغفار را در پیش گرفت و جهاد را به عنوان یکی از علل و موجبات تکفیر و پوشش گناهان مدنظر قرار داد.^{۸۵}

در این صورت است که جامعه از هر گونه گرفتاری و بلا و تجاوزات دشمن می تواند در امنیت و مصونیت قرار گیرد.^{۸۶} بنابراین جهاد، اعم از جهاد اکبر که مبین اقدام مسلحانه برای تبلیغ دین و جلوگیری از به خطر افتادن اساس دین و حکومت اسلامی و چه جهاد اصغر که بیانگر مبارزه با عوامل فردی و روانی انحراف که ناشی از هوا و هوسهای درونی است، تاسیسی است در جهت جلوگیری از بروز و وقوع انحراف و در واقع نقش اصلی آن نقش پیشگیرانه است.

کارکرد پیشگیرانه زکات و خمس:

زکات از ضروریات دین اسلام و از مسائل مهم عبادی، اقتصادی است. قرآن پیوسته دعوت به نماز و زکات را قرین هم ساخته و می فرماید: «فَأَقِمْوُ الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ...»^{۸۷} «و نماز را برپادارید و زکات را ادا کنید...» و همچنین: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّا هُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ...»^{۸۸} «یاران خدا کسانی هستند که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می دارند و زکات را ادا می کنند...» در واقع نماز برای تکمیل نفس و تحصیل قرب و ارتباط با پروردگار متعال و زکات برای رسیدگی به دیگران و کمک به بندگان خدا و رفع ابتلائات فقرا و مستضعفین و تهیه وسائل زندگی آنان است.^{۸۹} بر پایه آیات قرآن و احادیث، زکات واجب، مالی است که به

^{۷۸} - انفاق، آیات ۷ و ۸

^{۷۹} - آل عمران/آیات ۱۴۸، ۱۴۶، توبه/آیه ۱۲۰، عنکبوت/آیه ۶۹

^{۸۰} - آل عمران/آیات ۱۴۰-۱۵۴

^{۸۱} - طبرسی، فصل بن حسن، مجمع البیان، پیشین، ج ۳ و ۴، ص ۸۲۰

^{۸۲} - بقره، آیه ۲۱۶، نساء/آیه ۶۶

^{۸۳} - توبه/آیات ۴۱، ۸۸ و صف/آیه ۱۱

^{۸۴} - توبه/آیه ۱۴

^{۸۵} - آل عمران/آیه ۱۹۵

^{۸۶} - نساء/آیه ۸۴ و فتح/آیات ۲۰ و ۲۴

^{۸۷} - بقره/ ۱۱۰

^{۸۸} - حج/ ۴۱

^{۸۹} - مصطفی، حسن، تفسیر روشن، تهران: بنگاه ترجمه و مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰، جلد ۲، ص ۹۳

منظور پاکي و وابستگي انسان ها^{۹۰} و تامين مالي مستمندان^{۹۱} وضع گرديده و سبب افزايش روزي^{۹۲}، وفور اموال^{۹۳} و امنيت اقتصادي^{۹۴} در جامعه است.

زكات بر مالكانی كه بالغ، عاقل، آزاد و داراي حق تصرف در اموال خویش اند، واجب است در صورتی كه نقدینگی (طلا، نقره) یا دام (شتر، گاو، گوسفند) یا محصولات كشاورزی (جو، گندم، خرما، مویز) آنان به حد نصاب تعیین شده برسد، میزان معینی از آن را به عنوان مالیات بپردازد. هم چنین در شب عید فطر (اولین شب ماه شوال) مالیات سرانه ای به عنوان زكات فطر بر کسی كه فقیر نباشد واجب گردیده است. پرداخت این مالیات (زكات) در جامعه اسلامی بر همه کسانی كه واجد شرایط باشند، حتی كافران، واجب است و دولت اسلامی می تواند آن ها را وادار به پرداخت كند.^{۹۵}

مورد هشتمگانه مصرف زكات بر طبق آیه ۶۰ از سوره توبه عبارتست از:

«انما الصدقات للفقراء و المساكين و العاملين علیها، و المؤلفه قلوبهم، و فی الرقاب و الغارمین و فی سبیل الله، و ابن السبیل، فریضه من الله و الله علیم و حكیم.»

«زكات مخصوص فقراء و مساكین و كاركنانی است كه برای (جمع آوری) آن كار می كنند، و کسانی كه برای (آزادی) بردگان، و بدهكاران، و در راه تقویت آئین خدا و واماندگان در راه، این فریضه (مهم) الهی است و خداوند دانا و حكیم است.»

زكات دارای آثار معنوی و اجتماعی می باشد: امام رضا (ع) در این زمینه می فرماید:

قانون زكات، برای تامين (زندگی) بینوایان وضع شد، چنان كه خدای بزرگ فرموده است:

« شما را در اموال و جانها تان امتحان می كنیم» (امتحان) در اموال پرداخت زكات است... با دیگر فوایدی كه در این قانون نهفته است چون افزایش (مال) و احساسمدی و مهربانی نسبت به ناتوانان، و توجه به حال بینوایان، و سوق دادن جامعه به مساوات و برابری، و توانبخشی به فقیران، و یاری رساندن به آنان در انجام تكلیف دینی...»

بنابراین به طور کلی زكات با توجه به آثار اخلاقی، فردی و اجتماعی آن من جمله كمك به محرومان، تعاون و همكاری و نوعدوستی، فقر زدایی در جامعه و جلوگیری از تجمع ثروت در دست عده ای خاص از افراد جامعه، كه خود تامين كننده مساوات و برابری می باشد، می تواند عاملی كاهنده در وقوع بزهكاری و انحراف باشد. همانگونه كه در تفسیر نور در رابطه با آثار زكات این مطلب به خوبی مشاهده می شود. «زكات عامل تعدل ثروت، تشكر عملی از داده های الهی، موجب کاهش فاصله طبقاتی و زدودن كینه بین فقیران و ثروتمندان، كاستن وابستگی مادی و دنیا طلبی انسان، زنده ساختن روح سخاوت و رحمت در انسان، پشتوانه تامين اجتماعی محرومان، محرومیت زدایی، داروی بیماریهای غفلت از یاد خدا و بهره كشی از مردم و تنگدستی و طغیان و عیاشی و تكاثر، موجب افزایش گرایش به اسلام، و نموداری از نظام اسلامی است. زمینه ساز عدالت اجتماعی، فقرزدایی، محبوبیت بین المللی، تامين كارمندان، آزادی بردگان و افراد در بند، به حرکت در آوردن نیروها، حفظ آیین و كیان مسلمانان و گسترش خدمات عمومی است.»^{۹۶} و اما خمس مالیات ثابتی است كه قرآن به آن تصریح کرده و از ضروریات اسلام شمرده است.

^{۹۰} - «خُذْمِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» براءت، آیه ۱۰۳

^{۹۱} - «ان عله الزكاه من أجل قوت الفقراء و تحصيل أموال الأغنياء» حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۶، ص ۵

^{۹۲} - «... الزكاه تزيد في الرزق»، مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۷۸ ص ۱۸۳

^{۹۳} - «... ان الله وضع الزكاه قوتاً للفقراء و توفيراً لأموالكم» حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۶، ص ۱۴۵

^{۹۴} - «لا ماضع مال في بر و لا بحر الا بتضييع الزكاه فحفظوا أموالكم بالزكاه». همان، ص ۱۵

^{۹۵} - امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۱۴

^{۹۶} - قرائتی، محسن، تفسیر نور، پیشین، جلد ۵، ص ۸۹

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ خُمُسُهُ وَ لِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ أَجْمَعِينَ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^{۹۷}

«و بدانید هر گونه غنیمتی به شما رسد خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است، اگر شما به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدائی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی ایمان یعنی روز جنگ بدر) نازل کردیم، ایمان آورده اید، و خداوند بر هر چیزی قادر است.»

خمس به دلیل شباهت های فراوانی که از جهت نوع دریافت و موارد مصرف با زکات دارد همه حکمت های مترتب بر تشریح زکات، در خمس نیز وجود دارد.^{۹۸}

با توجه به موارد مصرف، خمس از لحاظ اخلاقی و اجتماعی دارای همان آثاری است که برای زکات بیان شد. خمس در قرآن به شش سهم تقسیم و به شش مورد اختصاص داده شده است.^{۹۹}

سهمی برای خدا، سهمی برای رسول خدا (ص) و سهمی برای ذی القربی که مقصود امام معصوم از اهل بیت پیامبر (ص) است و سه سهم برای یتیمان و در راه ماندگان از ساداتی که از ناحیه پدر به حضرت عبدالمطلب منسوب اند، اختصاص دارد. در حقیقت خمس به دو گونه کلی سهم امام و سهم سادات تقسیم می شود و حاکم اسلامی مسئول اصلی توزیع آن است. بنابراین باید همه خمس را به حاکم برسانند تا در مواردی که لازم می داند مصرف کند. البته افراد می توانند با اذن حاکم اسلامی آن را مورد تعیین شده مصرف کنند.^{۱۰۰} خمس جزء منابع مالی است که در اختیار دولت اسلامی قرار دارد و دولت موظف است آن را در راه مبارزه با فقر و تنگدستی افراد جامعه، رفع بیکاری، دلجویی و جذب مخالفان، آزادی انسان، عمران و آبادانی و تحقق توسعه پایدار، ایجاد انواع بیمه های اجتماعی مانند بیمه بیکاری، بدهکاری، و به طور کلی زندگی و از کار افتادگی مورد بهره برداری و استفاده قرار دهد.^{۱۰۱} بنابراین با توجه به موارد مصرف می توان گفت که خمس دارای آثار فردی، من جمله بجای آوردن انفال واجب به قصد قرب و تقوای الهی، رعایت عدل و انصاف در امور مالی که خود عامل موثری است در کاهش جرم و انحراف، و نیز آثار اجتماعی من جمله فقرزدایی و محرومیت زدایی از جامعه توسط حاکم اسلامی بواسطه اختصاص دادن بخشی از خمس جهت تامین مصالح مسلمین می باشد.

کارکرد پیشگیرانه امر به معروف و نهی از منکر

یکی از راهبردهای اساسی سیاست جنایی اسلام در مقابله با جرم و انحرافات و پیشگیری از وقوع آنها، نهاد «امر به معروف و نهی از منکر» است. این نهاد مهم، همچنین از مهمترین برنامه ها و تدابیری است که اسلام برای مشارکت عمومی مردم در امر پیشگیری از جرم، بر اساس اندیشه کنترل اجتماعی و نظارت افراد در سطح جامعه نسبت به عملکرد یکدیگر در جهت رعایت هنجارها تدارک دیده است. در جرم شناسی پیشگیری نیز، یکی از رویکردهای مطرح شده، «رویکرد اجتماع محور» است که با چشمگیر دانستن اعضای جامعه در پیشگیری از وقوع جرایم، از طریق واکنش درخور توجه به ناهنجاری ها و رفتارهای کجروانه و اصرار بر پایبندی به معیار ها و ارزش های اجتماعی، نزدیکی زیادی به نهاد امر به معروف و نهی از منکر در اسلام دارد. برخی از نویسندگان از امر به معروف و نهی از منکر، تحت عنوان دفاع همگانی، در مقابل دفاع مشروع شخصی یاد نموده اند.^{۱۰۲}

^{۹۷} - انفال/آیه ۴۱

^{۹۸} - کرمی، محمد مهدی، پورمند (نبی زاده) محمد، مبنای فقهی اقتصادی اسلامی، پیشین، ص ۱۵۸

^{۹۹} - همان، ص ۱۶۰

^{۱۰۰} - همان

^{۱۰۱} - همان

^{۱۰۲} - عوده، عبدالقادر «التشريع الجنائي الإسلامي مقارنا بالقانون الوضعي»، ج ۱، بیروت: دارالکتاب العربی، بی تا، ص ۴۸۹.

برخی نیز اصطلاح دفاع اجتماعی برای تاسیس اسلامی استفاده نموده و آن را در مقابل دفاع فردی (=دفاع مشروع) معرفی نموده اند.^{۱۰۳}

براساس این اصل مترقی و ابتکاری اسلام-که قرآن کریم، از خصایص و ویژگی های بارز جامعه اسلامی و متمایز کننده از سایر جوامع بشری برشمرده است.^{۱۰۴} آحاد مسلمانان در جامعه اسلامی از هر طبقه و با هر سمت، در مقابل عملکرد و سرنوشت یکدیگر مسئول قلمداد شده اند؛ به نحوی که هر مسلمانی طبق شرایط و ضوابط معین، تکلیف و وظیفه شرعی دارد تا افراد دیگر جامعه اسلامی را مورد امر و نهی قرار داده؛ به آنچه که در احکام شرع و اجتماع اسلامی، ممدوح است، توصیه نماید و از نواحی شرعی و نابهنجاری های اجتماعی، بازدارد تا هیچ کس در جامعه اسلامی از قانون و دستور های شریعت اسلامی تخلف نکند. امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت، یک سیستم کنترلی غیر کیفری محسوب می گردد.^{۱۰۵} که البته، تنها در دایره تنگ زندگی فردی یا روابط معاشرتی و یا اعمال انفرادی محدود نمی شود.^{۱۰۶} برخی از صاحب نظران علوم اسلامی، با الهام گیری از آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر- جایگاه بسیار برجسته ای را برای این نهاد ترسیم می کنند. گسترده گی امر به معروف و نهی از منکر در حوزه عمومی را نتیجه گرفته و به آسیب شناسی آن نیز می پردازند. براساس این آسیب شناسی، بیان می گردد که پاره ای تنگ نظری ها و انحراف ها، باعث شده است که مسئله امر به معروف و نهی از منکر از منزلت واقعی خود خارج شود و راهی را بییامد که نتیجه ای جز دخالت در حوزه خصوصی را در برداشته است. این امر نیز موجب شده که جامعه به سمتی سوق داده شود که این فریضه را به فراموشی سپرده، از آن به راحتی عبور نماید و هیچ نقشی برای آن در زندگی جمعی قائل نباشد.^{۱۰۷}

تاسیس این نهاد مهم اسلامی، به لحاظ اهمیت فوق العاده آن، آن را از جمله «فروع دین» و «اصول علمی» و هم رتبه و هم تراز نماز، روزه، حج، خمس، زکات و... قرار داده است و لذا از لحاظ فقهی، برای تمامی مسلمانان وجوب شرعی نیز دارد. امر به معروف و نهی از منکر به صورت حکم شرعی، آن را از کارایی موثرتری برخوردار می کند؛ زیرا در این حالت، مردم احساس تکلیف شرعی می کنند و با حضور و شرکت فعال، به رویارویی با آسیب های اجتماعی و قانون شکنی ها برمی خیزند و در پاسداری از هنجارهای دینی جامعه اسلامی، به وظیفه شرعی خود عمل می کنند و مانع گسترش کجروی های اجتماعی می گردند. به بیان دیگر با جنبه وجودی داشتن این نهاد، مردم موظفند از فضیلت ها و نیکی ها پاسداری کنند و از اشاعه مفاسد اجتماعی جلوگیری نمایند.^{۱۰۸} بدین لحاظ این مسئولیت مشترک شرعی و واجب در اسلام بیشتر از هر جامعه زنده دیگر آن را برای افراد جامعه الزام آور می نماید چرا که در این حالت مسلمان خود را فقط در پیشگاه خداوند درباره اعمال و کردار زمینی خود به طور مستقیم و شخصی مسئول فرض می کند معتقد است که انجام یا عدم انجام تکالیف الهی، از جمله امر به معروف و نهی از منکر صرف نظر از مسئولیت اجتماعی مسئولیت و بازخواست الهی را نیز به دنبال دارد.^{۱۰۹}

^{۱۰۳} - فیض، علیرضا «تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام» چاپ اول، تهران موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۹۴.

^{۱۰۴} - «کنتم خیرامه اخرجت للناس تامرون بالمعروف وتنهون عن الکنکر وتؤمنون بالله: شمایترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند؛(چه

اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.» آل عمران / ۱۱۰

^{۱۰۵} - اصل و تکلیف همگانی امر به معروف و نهی از منکر، به پیشگیری غیر کیفری مربوط می شود و پیشگیری کیفری (مرتب سوم از مراتب امر به معروف و نهی از منکر)، هر چند خود نوعی از نهی از منکر است، ولی اجرای آن وظیفه عامه مردم نیست، بلکه از وظایف حاکم شرع و کسی است که از طرف حاکم شرع و دولت اسلامی، اجازه و دستور این کار را داشته باشد. مطهری، مرتضی، «ده گفتار» پیشین، ص ۶۸

^{۱۰۶} - مرکز تحقیقات قوه قضائیه قم، «درآمدی بر پیشگیری از وقوع جرم» ماهنامه دادرسی، شماره ۲۰، ۱۳۷۹، ص ۳۴

^{۱۰۷} - مطهری، مرتضی، «ده گفتار» پیشین، صص ۷۶-۷۸

^{۱۰۸} - میرخلیلی، محمود، پیشگیری وضعی از بزهکاری بانگاہی به سیاست جنایی اسلام، پایان نامه دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران

۱۳۸۵، ص ۱۱۵.

^{۱۰۹} - بواز، مارسل، انسان دوستی در اسلام، ترجمه محمد حسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی، چاپ اول، تهران: انتشارات طوس، ۱۳۶۲، ص ۱۱۵.

نکته دیگری که برخی از صاحب نظران اسلامی^{۱۱۰} نیز بدان اشاره کرده اند آن که، شیوه صحیح اجرای امر به معروف ونهی از منکر، براساس «عمل جمعی و گروهی» است و عمل فردی و تکرانه، تاثیر چندانی بر اصلاح رفتارها نخواهد داشت. هرچند این امر به هیچ وجه منافی تکلیف هر شخص نسبت به وظیفه شرعی خویش در بازداشتن از منکرات و توصیه به خیرات نیست اما باید گفت روح این راهبرد توافق بیشتری به صورت جمعی و سازمان یافته آن دارد (خصوصا باتوجه به شرط احتمال تاثیر در امر به معروف ونهی از منکر) لذا انجام گروهی این فریضه کارکردها و اثرات متوقع از این نهاد را به خوبی تضمین می نماید.

پیامدها و کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از نهادهای ابتکاری اسلام می باشد که در این نوشتار به دو کارکرد اصلی و مهم این نهاد می پردازیم.

پیشگیری از وقوع جرائم و انحرافات

یکی از کارکردهای مهم امر به معروف ونهی از منکر نقش موثر این نهاد در پیشگیری از وقوع جرائم و انحرافات است. در جامعه ای که امر به معروف ونهی از منکر به صورت یک امر عمومی درآمده و افراد آن جامعه عملکرد یکدیگر را کاملا زیر نظر داشته اعمال نیک اشخاص را تحسین و اعمال زشت و منحرفانه را تقبیح می نمایند و هیچ کس نسبت به رفتار دیگر افراد جامعه از خود بی تفاوتی نشان نمی دهد، خواه ناخواه، هر فرد عاقل را و او می دارد که در مقابل چشم این چنین ناظران و کنترل کنندگانی، نهایت دقت را در نحوه عملکرد خویش بنماید و خصوصا از ارتکاب رفتارهای نابهنجار و منحرفانه که واکنش منفی عمومی را در پی دارد احتراز نماید؛ به عبارت دیگر، احساس وجود ناظرین بر رفتار خود یک عامل پیشگیرنده بسیار قوی از ارتکاب جرم و انحراف توسط افراد است چرا که هیچ کس دوست ندارد از چشم دیگر افراد جامعه بیفتد و حرمت و منزلت خویش را در جامعه از دست بدهد، خصوصا آنکه فرد بداند در صورت ارتکاب رفتار ناشایست حمایت اجتماعی افراد جامعه از خویش را از دست خواهد داد و عواقب سوء چنین رفتارهایی را در تعامل با دیگران، به اشکال گوناگون؛ از جمله سرزنش، توبیخ، قطع ارتباط و معاشرت و طرد اجتماعی و... خواهد دید.

نکته ای که در اینجا لازم به ذکر است همان گونه که قبلا بیان شد این که سست شدن پیوندهای اجتماعی و عدم آشنایی افراد جامعه با یکدیگر به علت صنعتی شدن جوامع و شهرنشینی در جوامع مدرن که در نظریه کنترل اجتماعی دورکیم عامل مهم تضعیف امر نظارت و کنترل های اجتماعی این جوامع نسبت به جوامع سنتی بیان شده است، به هیچ وجه در سیستم کنترلی اسلام، خللی وارد نمی آورد؛ چرا که در نهاد امر به معروف ونهی از منکر نظارت عمومی و همگانی بر پایه آشنایی قبلی افراد با یکدیگر و داشتن نوعی ارتباط و پیوند خویشاوندی، دوستی و... استوار نشده است، بلکه از آنجا که بالاترین پیوند و رابطه میان افراد جامعه اسلامی، پیوند ایمانی و دینی است و همین پیوند است که سبب به وجود آمدن ولایت افراد با ایمان، نسبت به یکدیگر و شکل گیری رابطه برادری میان آنان می گردد بنابراین صرف بودن شخص در میان افراد جامعه اسلامی وی را داخل در دایره مومنان و برادران دینی و مشمول حقوق و تکالیف متقابل میان آنان در جامعه اسلامی می گرداند، لذا صنعتی شدن جوامع و شهرنشینی و... تاثیری در وظیفه نظارت و کنترل همگانی افراد بر عملکرد یکدیگر ندارد.

«امر به معروف ونهی از منکر، در هر مرتبه، بیانگر حساسیت اجتماع در مقابل اعمال زشت و نابهنجار است. این حساسیت وقتی به شکل موثری ظاهر گردد، راه را بر رواج ناهنجاری ها در جامعه می بندد. برعکس وقتی جامعه ای در مقابل نابهنجاری ها، هیچ گونه مخالفتی نشان ندهد یا حساسیت ها و مخالفتها بسیار ضعیف باشد، زمینه ترویج و تثبیت ناهنجاری ها فراهم می گردد. و در این جا است که چه بسا، ناهنجاریها شکل هنجار به خود می گیرد و منکرات در پوشش معروف ظاهر می گردد.»^{۱۱۱}

^{۱۱۰} - مطهری، مرتضی، ده گفتار، پیشین، ص ۸۷

^{۱۱۱} - حاجی ده آبادی، محمدعلی، امر به معروف ونهی از منکر و سیاست جنایی، پیشین، ص ۹۹-۳۳۴

روایاتی از ائمه معصومین (ع) در مورد جابه جایی ارزش ها و جایگزینی معروفها به جای منکرات و بالعکس خصوصا در دوره آخرالزمان - به علت عدم امر به معروف و نهی از منکر رسیده است.^{۱۱۲}

بی تفاوتی و عدم حساسیت در مقابل رفتارهای ناپهنجار افراد جامعه، علاوه بر اثرات اجتماعی آن از لحاظ روانشناختی نیز تاثیر منفی بر عملکرد خاطیان خواهد داشت. چشم پوشی از خطاهای افراد، بدون تردید می تواند (در فرض تکرار و عدم اصلاح فرد) به تثبیت آن رفتار ناپهنجار و حتی روی آوردن به رفتارهای زشت تر بینجامد. اگر جلوی انحراف های اخلاقی و رفتاری که هنوز جرم تلقی نمی شوند از طریق امر به معروف و نهی از منکر گرفته شود ریشه های بزهکاری خشکانده می شود و می توان از وقوع جرم در جامعه ایمن بود.

به نظر می رسد یکی از اسرار اینکه در برخی روایات، «رضایت به گناه و وقوع جرم» در جامعه، نوعی معصیت و ناپهنجاری معرفی شده و راضی نیز همانند مباشر جرم گناهکار و اهل دوزخ معرفی شده است، در همین نکته نهفته باشد.^{۱۱۳} امر به معروف و نهی از منکر نکردن، باعث بروز جرایم و انحرافات در جامعه می شود که این امر خود، منجر به تباهی محیط، بی حیایی و پرده دری، آشکار شدن گناهان و معاصی و در نهایت تشویق گناهکاران و مجرمان به ارتکاب هر چه بیشتر رفتارهای ناپهنجار خویش می گردد.^{۱۱۴} امری که پیامدی جز بالارفتن میزان بزهکاری و افزایش شمار بزهکاران و منحرفان و در نتیجه حاکمیت و سلطه آنان بر جامعه نخواهد داشت.

حضرت علی (ع) در این زمینه می فرماید:

لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولَىٰ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ^{۱۱۵}.

امر به معروف و نهی از منکر را وا نگذارید که بدان شما بر شما مسلط خواهند شد، آنگاه دعا می کنید، ولی به هدف اجابت نمی رسد. پر واضح است که سیطره شروران و منحرفان بر جامعه به معنای تعطیل و بسته شدن همه درهای خیر و نیکی به روی مردم خواهد بود؛ زیرا چنین جامعه ای روی امنیت را نمی بیند در آن از عبادات الهی خبری نیست و امور بر قوام خود باقی نخواهد ماند. در این صورت تمامی زمینه ها و شرایط برای بروز استعدادها و قابلیت های مجرمانه فراهم و هموار خواهد شد.^{۱۱۶}

زمینه سازی برای رواج هنجارها

کارکرد دیگر امر به معروف و نهی از منکر و در حقیقت روی دیگر سکه کارکرد اول (پیشگیری از وقوع جرایم و انحرافات)، زمینه سازی برای رواج هنجارها در جامعه است. این امر، خصوصا "با تکیه بر امر به معروف و توأسی و به حق، نقش بارزتری به خود می گیرد. توضیح آنکه امر به معروف و نهی از منکر تنها به جنبه سلبی و مبارزه منفی با ناپهنجاریها در جامعه خلاصه نمی شود، هر چند که متأسفانه در تحقیقات و متون نگارش یافته در زمینه این نهاد اسلامی، بیشتر بر جنبه نهی از منکر و اثرات آن در

^{۱۱۲} - برای نمونه حدیثی است که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که می فرماید: چگونه خواهد بود شما، هنگامی که زنه‌های شما تبهکار و جوانان فاسد شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند؟ از آن حضرت پرسیده شد: آیا چنین وضعی پیش خواهد آمد؟ پیامبر (ص) فرمود: آری و از این بدتر هم پیش خواهد آمد؛ چگونه خواهد بود حال شما، آنگاه که یکدیگر را به کارهای بد، امروز از کار نیک، نهی کنید؟ شخص پرسید: آیا چنین وضعی هم پیش می آید؟ فرمود: آری از این بدتر هم؛ چگونه خواهد بود حال شما، هنگامی که معروفها را منکر و منکرها را معروف ببینید؟! حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران: انتشارات کتابخانه نینوی، بی تا، ص ۲۶؛ کلینی، محمد بن یعقوب (شیخ کلینی)، ج ۵، پیشین، ص ۵۹.

^{۱۱۳} - حضرت علی (ع) در این مورد می فرماید: الرّاضی بفعل قوم کالدّاخل فیهم وعلی کلّ داخل فی باطل ائمان ائتم العمل به وائتم الرضا به: آن کس که از کار مردمی خوشنود باشد، چونان کسی است که همراه آنان بود و هر کس که به باطلی روی آورد، دو گناه برعهده او باشد: گناه کردار باطل و گناه خوشنودی به کار باطل. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴.

^{۱۱۴} - برای توضیح بیشتر در این خصوص و آگاهی از آموزه های اسلامی رسیده در هر مورد، بنگرید: قرائتی، محسن، گناه شناسی، تنظیم و نگارش محمدی

اشتهاردی، محمد، چاپ دهم، تهران: انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۴، صص ۱۳۶-۱۵۵

^{۱۱۵} - نهج البلاغه، نامه ۴۷.

^{۱۱۶} - بنگرید به حدیث امام باقر (ع)، مندرج در قسمت گفتار ششم: امر به معروف و نهی از منکر: در همین نوشتار.

جامعه تمرکز شده است. اما باید گفت علاوه بر مبارزه منفی با منکرات در این آموزه مهم، بر مبارزه مثبت با ناپهنجاری ها که همان امر به معروف و توأسی به حق در جامعه است نیز به همان میزان اهمیت داده شده و مورد توجه قرار گرفته است. حضرت علی (ع) در مورد فلسفه امر به معروف و نهی از منکر، به طور مشخص بر هر دو جنبه مذکور و به طور همسان تاکید فرموده است. ایشان می فرماید:

قَرَضَ اللَّهُ... الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِّلْسَفَهَاءِ.^{۱۱۷}

خداوند امر به معروف را برای اصلاح کار توده های ناآگاه و نهی از منکر را برای بازداشتن بی خردان و سفیهان از زشتی ها قرار داده است. این مهم از چند جنبه می تواند در چگونگی عملکرد افراد تاثیر گذار باشد: جنبه اول نقشی است که امر به معروف می تواند بعنوان یک دانشگاه همیشه فعال ایفا نماید؛ چنان که از کلام حضرت علی (ع) در سطور فوق به دست می آید، نظام امر به معروف می تواند در گسترش و نشر خوبی ها در بین بخش عظیمی از توده های اجتماعی که به علل گوناگون (بی سواد، مشغله های زیاد، ناآگاهی و...) در نادانی مانده اند، دانشگاهی زنده، همیشه دایر و پویا باشد.^{۱۱۸}

نقش دیگری که امر به معروف می تواند در جامعه، در جهت زمینه سازی برای سمت و سو دادن به عملکرد افراد برای انجام اعمال نیک ایفا کند، تغذیه فرهنگی جامعه است. توضیح آنکه؛ جامعه و افراد آن در انتخاب نحوه سلوک رفتاری خویش، به هر روی محتاج سوگیری و جهت گیری هدفی هستند. این امر نیاز به تغذیه فرهنگی و آگاهی بخشی عمومی در مورد هنجارها و تشویق افراد به انجام آنها است؛ به عبارت دیگر در مقابل نهی از انجام ناپهنجاری ها و آگاه بخشی از تنبیه های مترتب بر آن، بایستی امر به هنجارها و مشوق های متضمن آن نیز ارائه شود تا خلأ فرهنگی در نحوه سلوک افراد جامعه ایجاد نشود توصیه به حق و نیکی امری است که بدین لحاظ در آیات قرآنی و روایات اسلامی به دفعات تکرار شده و بر اساس آن مومنان به توأسی و دعوت یکدیگر به خیر تشویق می شوند.^{۱۱۹} در نهایت امر به معروف از یک جنبه عمده دیگر نیز منجر به رواج هنجارها و نهادینه شدن رفتارهای صحیح و انسانی در جامعه می شود و آن نقشی است که این مهم از جنبه روان شناختی بر رفتار افراد جامعه برجای می گذارد توضیح آنکه «وقتی اعضای اجتماع مراقب هم بوده و یکدیگر را سفارش به حق و نیکی نمایند و از بدی و زشتی بازدارند این خود به تدریج زمینه نهادینه شدن و رسوخ نیکی ها در روح و روان افراد را فراهم می آورد.»^{۱۲۰}

امام علی (ع) این نکته ظریف روان شناسانه را در کلام بلیغ خویش بیان نموده است:

«وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنُّ مِنْ أَهْلِهِ»^{۱۲۱} «امر به معروف کن، تا خود نیز اهل معروف شوی»

نتیجه گیری

^{۱۱۷} - نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

^{۱۱۸} - حاجی ده آبادی، محمدعلی، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، پیشین، ص ۳۳۶

^{۱۱۹} - برای نمونه، آیات زیر از قرآن کریم در این خصوص می باشد: بلد/۱۷؛ عصر/۳.

^۲ - حاجی ده آبادی، محمدعلی، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، پیشین، ص ۱۰۰.

^۳ - تمیمی آمدی، عبدالوحد، غررالحکم و دررالکلم، پیشین، ص ۳۳۲.

1- حاجی ده آبادی، محمدعلی، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، پیشین، ص ۱۰۰.

۲- تمیمی آمدی، عبدالوحد، غررالحکم و دررالکلم، پیشین، ص ۳۳۲.

3- اصل هشتم قانون اساسی ج ۱، مقرر می دارد: در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. - میرخلیلی، محمود، پیشگیری از بزهکاری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق

و جزا و جرم شناسی، مجتمع آموزش عالی قم، نیم سال دوم ۷۸-۱۳۷۷، صص ۱۵۲-۱۵۳

^۱ - حاجی ده آبادی، محمدعلی، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، پیشین، ص ۳۳۷-۳۳۸

در مکتب اسلام، رویکرد به انسان برخلاف برخی مکاتب ونحله های فکری و عقیدتی دیگر- رویکردی مثبت والهی است؛ اعتقاد به وجود ذات وسرشت مشترک انسانی در ساحت اصیل وجود انسان (روح)، که شکل دهنده اصلی هویت، شخصیت وانسانیت بشر است از یک سو؛ و پاک بودن، الهی بودن ومیل به نیکی داشتن این سرشت مشترک انسانی در ساحت اصیل وجود انسان (روح)، که شکل دهنده اصلی هویت، شخصیت وانسانیت بشر است از یک سو؛ و پاک بودن، الهی بودن ومیل به نیکی داشتن این سرشت در انسانها از سوی دیگر، اصل تربیت پذیر بودن افراد انسان رابه امری ممکن ودر عین حال سهل الوصول تبدیل می کند؛ چه آنکه علی رغم وجود تمایلات وخواهشهای نفسانی وحیوانی در وجود انسانها که منشا بروز زشتیها ومیل به انحرافات است- به علت غیراصیل بودنشان در وجود آدمی، در تضاد وکشمکش بافطرت وسرشت اصیل وجود آدمی به راحتی قابل مهار وکنترل به دست عقل وفطرت می باشد. در این پژوهش پیشگیری از شکل گیری شخصیت مجرمانه با تأکید بر عمل به احکام مورد بررسی قرار گرفت. و مشخص شد هر کدام از احکام و فروع دین (نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ...) نقش مهمی در پیشگیری از اعمال مجرمانه دارند. آثار ناشی از تداوم نماز شامل ایجاد آرامش روانی، بازدارندگی از گناه و بهداشت جسم و جان می باشند که هر کدام چه بصورت مستقیم و چه غیر مستقیم می توانند ایجاد کننده ی صفات پسندیده و کمالات انسانی و نافی صفات زشت و ناپسند و انحرافات در انسان باشد. کلیه موارد توصیه شده در اسلام در باب مسئله روزه در آیات و روایات دینی موجد و تقویت کننده ی آثاری چون خود سازی و صفات پسندیده انسانی می باشد که می تواند نقش مهمی در پیشگیری از انحراف داشته باشد. با توجه به آثار تربیتی و معنوی حج در ارتقاء مقام انسانی و همچنین محرمات حج اعم از استطاعت مالی و مشروعیت مال می توان به تأثیر پیشگیرانه حج در انحراف و بزهکاری نیز اذعان داشت. به طور کلی زکات با توجه به آثار اخلاقی، فردی و اجتماعی آن من جمله کمک به محرومان، تعاون و همکاری و نوع دوستی، فقر زدایی در جامعه و جلوگیری از تجمع ثروت در دست عده ای خاص از افراد جامعه، که خود تامین کننده مساوات و برابری می باشد، می تواند عاملی کاهنده در وقوع بزهکاری و انحراف باشد. یکی از راهبردهای اساسی سیاست جنایی اسلام در مقابله با جرم و انحرافات و پیشگیری از وقوع آنها، نهاد «امر به معروف و نهی از منکر» است. این نهاد مهم، همچنین از مهمترین برنامه ها و تدابیری است که اسلام برای مشارکت عمومی مردم در امر پیشگیری از جرم، بر اساس اندیشه کنترل اجتماعی و نظارت افراد در سطح جامعه نسبت به عملکرد یکدیگر در جهت رعایت هنجارها تدارک دیده است.